

## An Introduction to the Political Thought of Neo-traditionalism With the recitation of Seyed Hossein Nasr

Hosein Monsefi<sup>1</sup> Shoja Ahmadvand<sup>2</sup>

Date of Received: 2023/06/18

Date of Acceptance: 2023/11/24



فصلنامه علمی-پژوهشی  
پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام

۵۳

درآمدی بر اندیشه سیاسی نو سنت گرایی: تفراتی از سید...

### Abstract

Recognizing and evaluating the currents of knowledge that carry political trends is one of the concerns of contemporary thinkers, and stepping in the path of this evaluation is impossible without theoretical reflection and effort to understand it. Among the currents of knowledge in the present era, there is the discussion of tradition, traditionalism, and neo-traditionalism. In order to enter into the discussion of tradition, according to the traditionalists, one should pay attention to the set of facts that include history, geography and philosophy. Traditionalists creditably relate the history of their reflections to the scope of human history. Therefore, we are faced with a kind of people of knowledge, from which political thought is extracted from this knowledge.

Seyyed Hossein Nasr is also among those who are interested in the votes of these people and are trying to expand the traditional worldview. As a neo-traditionalist thinker, he has another exploration in this term.

In the opinion of neo-traditionalists like Nasr, this knowledge has a divine origin and is focused on sacred knowledge, which is placed in the gem of tradition, and what is important for them are the benefits and fruits of tradition in life. This research is trying to discover the political thought of neo-traditionalists such as Nasr and to extract politics from the heart of the tradition that has divine origin in order to examine the

1. Master's degree, Allameh Tabatabai University, Tehran, Iran

2. Associate Professor, Department of Political Science, Allameh Tabatabai University, Tehran, Iran. (responsible Author) , shojaahmadvand@gmail.com



Copyright © 2018, This is an Open Access article. This work is licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License. To view a copy of this license, visit <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/> or send a letter to Creative Commons, PO Box 1866, Mountain View, CA 94042, USA...

benefits and fruits that neo-traditionalists say about it in the field of politics. . to get Knowing the dimensions and coordinates of neo-traditionalism and discovering Nasr's political thought as a prominent neo-traditionalist thinker and understanding the differences and commonalities between traditionalism and neo-traditionalism is the main goal of this research.

The main question of our research is how to draw the political thought of Seyed Hossein Nasr as the most prominent neo-traditionalist thinker? And how can the origin and general coordinates of Nasr's new traditionalism be represented according to his philosophical logic and how can his political thought be depicted?

Our hypothesis is based on the fact that Seyyed Hossein Nasr's political thought was formed in the form of negation of modernity and criticism of popular political-religious traditionalism on the basis of the philosophical tradition of Hikmat Khaleda in the form of opposition to modernity on the one hand and criticism of political Islam on the other. Our other assumption is that the origin of Nasr's neo-traditionalism crystallized in the theory of Hekmat Khaleda, and it had the characteristics of responding to the crisis of modernity and eliminating the defects of the popular political-religious traditionalism. Seyyed Hossein Nasr's political thought was based on the foundation of anti-modernity, criticism of traditionalism, and criticism of the political Islamic discourse, and was represented politically in the form of the theory of monarchy. Our information gathering methods will be based on the type of research, library and document collection, and our main method in this research is exploratory. As its name suggests, this method seeks to explore (the political thought of neo-traditionalists and Nasr) the things that happen and questions about them. This method is especially useful when there is sufficient knowledge about a phenomenon. does not exist Therefore, the exploratory method can lead to a decision about whether the topic is worth researching or not.

**Keywords:** Political Thought , tradition, traditionalism, neo-traditionalism, Seyed Hossein Nasr



فصلنامه علمی - پژوهشی  
پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام  
جمعیت‌ترانست‌العلوم الاسلامی

۵۴

سال سیزدهم، شماره چهارم، زمستان ۱۴۰۲

## درآمدی بر اندیشه سیاسی نو سنت گرایی: قرائتی از سید حسین نصر

حسین منصف<sup>۱</sup>

شجاع احمدوند<sup>۲</sup>

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۹/۰۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۳/۲۸

### چکیده

شناخت و سنجش جریان های معرفتی که گرایش های سیاسی را با خود به همراه دارد یکی از دغدغه های اندیشمندان معاصر است و گام نهادن در مسیر این سنجش، بدون تأمل نظری و کوشش در فهم آن، تمنای محال است. از جریان های معرفتی در عصر حاضر، بحث سنت (Tradition)، سنت گرایی (Traditionalism) و نو سنت گرایی (Neo-traditionalism) است. برای ورود به بحث سنت باید طبق گفته سنت گرایان به مجموعه ی حقایقی که شمول تاریخی، جغرافیایی و فلسفی دارد، توجه کرد. سنت گرایان به اعتباری، سابقه تأملاتشان را به گستره ی تاریخ بشری مرتبط می سازند. لذا ما با نوعی اهل معرفت مواجه هستیم که از درون این معرفت، اندیشه سیاسی استخراج شده است.

سید حسین نصر نیز از جمله کسانی است که با علاقه به آرای این افراد، سعی در گسترش جهان بینی سنتی دارد. وی به عنوان اندیشمندی نو سنت گرا، کندکاو دیگری در این اصطلاح دارد.

در نظر نو سنت گرایانی چون نصر این دانش منشایی الهی دارد و معطوف به علم قدسی است که در گوهره ی سنت قرار می گیرد و آنچه برای آنان اهمیت دارد، فواید و ثمرات سنت در زندگی است. این پژوهش در تلاش است تا بتواند به کشف اندیشه سیاسی نو سنت گرایی هم چون نصر دست یابد و سیاست را از دل سنتی که منشایی الهی دارد، استخراج کند تا با بررسی آن، به فواید و ثمراتی که نو سنت گرایان از آن می گویند در زمینه سیاست به دست آوریم.

شناخت ابعاد و مختصات نو سنت گرایی و کشف اندیشه سیاسی نصر به عنوان اندیشمند شاخص نو سنت گرا و درک نقاط افتراق و اشتراک سنت گرایی با نو سنت گرایی هدف اصلی این پژوهش است.

سؤال اصلی تحقیق ما این است که چگونه می توان اندیشه سیاسی سید حسین نصر به عنوان شاخص ترین متفکر نو سنت گرا را ترسیم کرد؟ و خاستگاه و مختصات عمومی جریان نو سنت گرایی نصر را با توجه به منطق فلسفی او چگونه می توان بازنامایی کرد و اندیشه سیاسی وی را چگونه می توان تصویر کرد؟

فرضیه ما بر این امر استوار است که اندیشه سیاسی سید حسین نصر در قالب نفی مدرنیته و نقد سنت گرایی سیاسی - مذهبی رایج بر بستر سنت فلسفی حکمت خالده در هیات ضدیت با مدرنیته از سویی و نقد اسلام سیاسی از سوی دیگر شکل گرفت. فرض دیگر ما این است که خاستگاه نو سنت گرایی نصر در نظریه حکمت خالده تبلور یافت، و دارای خصالی چون پاسخ به بحران مدرنیته و رفع نقایص سنت گرایی سیاسی - مذهبی رایج بود. اندیشه سیاسی سید حسین نصر از خلال حکمت خالده و بر بنیاد ضدیت مدرنیته، نقد سنت گرایی رایج و نقد گفتمان اسلام سیاسی استوار بود و به لحاظ سیاسی در قالب نظریه سلطنت بازنامایی شد. شیوه های گردآوری اطلاعات ما بر اساس نوع پژوهش، کتابخانه ای و جمع آوری اسناد و مدارک خواهد بود و روش اصلی ما در این پژوهش اکتشافی است. این روش همان طور که از نام آن مشخص است به دنبال اکتشاف (اندیشه سیاسی نو سنت گرایان و نصر) چیز هایی است که رخ می دهد و پرسش در مورد آن ها است. این روش به ویژه زمانی مفید است که در باره یک پدیده شناخت کافی وجود ندارد. بنابر این روش اکتشافی می تواند به تصمیم گیری در مورد این که آیا موضوع مورد نظر ارزش تحقیق دارد یا خیر بیانجامد.

**واژه های کلیدی:** اندیشه سیاسی، سنت، سنت گرایی، نو سنت گرایی، سید حسین نصر

۱. کارشناسی ارشد دانشگاه علامه طباطبائی تهران، تهران، ایران، h.monsef@atu.ac.ir

۲. دانشیار گروه حقوق و علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبائی تهران، تهران، ایران. (نویسنده مسئول)

shojaahmadvand@gmail.com

Copyright © 2018, This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International, which permits others to download this work, share it with others and Adapt the material for any purpose.



علم سیاست به عنوان یکی از حوزه‌های معرفت بشری، همواره عرصه تجزیه و تحلیل اندیشمندان بوده است و به مثابه ابزاری کارآمد برای برآورده کردن نیازهای مادی و معنوی انسان مورد بهره برداری واقع شده است. از شاخه‌های اصلی این علم اندیشه سیاسی جایگاه مهمی دارد. برخلاف تاریخ اندیشه‌های سیاسی که به سیر تاریخی نظر دارند، اندیشه و فلسفه سیاسی در صدد تبیین ماهیت، دلایل و تأثیر وجودی مفاهیم علم سیاست است. بی‌گمان گذر تئوریک علوم بشری از سیاست قدیم به سیاست مدرن و به دنبال آن تغییر کار ویژه‌های مرتبط با آن نقش اساسی در حیات فکری و اجتماعی بشر داشته است. در این میان تحول مفاهیم نیز از محوری ترین موضوعات اندیشه سیاسی است که سنگ بنای تحلیل‌های علمی و آکادمیک را فراهم می‌کند. سنت یکی از مهمترین این مفاهیم است که در گذر زمان تغییرات زیادی پیدا کرده گاهی آن را پیشینه دینی می‌نامند، گاهی آن را گذشته ملی تلقی میکنند و گاه برداشت‌های حتی نوین تری برای آن قائل هستند.

در نگاه دینی نیز البته تنوعات زیادی در مورد سنت هست چنانچه از سنت اسلامی، مسیحی، یهودی، هندو، پروتستان، شیعی، سنی و... سخن به میان آمده است. سنت‌گرایی اسلامی همانند سایر جنبش‌های دینی، سنت‌گرایی یهودی، کاتولیک و پروتستان واکنشی به مدرنیسم و گاه‌ها بنیادگرایی و... است. این جنبش‌های مذهبی در حمایت از سنت‌های خاص خود و مرجعیت رهبرانی همچون پاپ به مخالفت آشکار با مدرنیسم پرداختند. سنت‌گرایی برای نقد مدرنیسم به دنبال معیارهای عام نمی‌رود بلکه از درون سنت، آن را نقد می‌کند. سنت‌گرایی به جای حذف سنت و دین، به احیای آنها می‌پردازد و ضمن بیان آسیب‌های مدرنیته، داروی سنت‌گرایی را پیشنهاد می‌دهد. این جریان با تأکید بر عرفان اسلامی و آئین‌های شرقی، در صدد حل معضلات دنیای جدید است (لگنهاوزن، ۱۳۸۲: ۸۳).

سید حسین نصر از جمله فلاسفه‌ای است که در عصر حاضر به دفاع از سنت، حکمت جاویدان و امر قدسی اهتمام دارد. نگاه و باور نصر به این موضوع، او را در مسیر پروژه ای فکری قرار داده است که از وی به عنوان اندیشمندی قابل توجه در جهان غرب یاد می‌شود. او در سرزمین عرفیات جدید به جدال با مدرنیته مشغول بوده و راه نجات انسان دنیای مدرن را بازگشت به سنت و معنویت می‌داند. کشاکش معرفتی نصر در این گستره، او را هم به نظریه‌پردازی و رهبری مکتب فکری کشانده، و هم با ارائه کلیاتی جامع از پروژه دین، مذهب و شریعت، به دریافت و بازخوانی باورهای مشغول است که احیای آن را مایه نجات انسان در دنیای مدرن می‌داند. او البته به صراحت به نظام سیاسی مطلوبی که مایه نجات بشر در



انجمن مطالعات جهان اسلام

Islamic World Studies Association

جمعية دراسات العالم الإسلامي

فصلنامه علمی - پژوهشی

پژوهش‌های بانی جهان اسلام

عصر مدرن است، اشاره نکرده است. اما تشکیل حکومت را ضروری می‌داند و دین اسلام را به عنوان دین جامع می‌پذیرد. از این رو به نظام سیاسی در اسلام اعتقاد دارد و معتقد است دو هجوم اساسی باعث دور شدن سیاست از دین شده که یکی حمله مغول و دیگری حمله غرب که تأثیر دومی در تخریب و انهدام بسیاری از نهادهای سنتی از حمله مغول ویرانگرتر بوده است.

در انتهای این مقدمه اشاره به این نکته نیز لازم است که این مقاله به دنبال ارائه پاسخ معتبر به این پرسش است که خاستگاه جریان فکری نوسنت‌گرایی و اندیشه سیاسی برجسته‌ترین متفکر آن سیدحسین نصر را با توجه به منطق فلسفی او چگونه می‌توان بازنمایی کرد؟ در پاسخ به این پرسش برای جهت‌دهی به پژوهش، این فرضیه ارائه شده است که خاستگاه نوسنت‌گرایی نصر در نظریه حکمت خالده تبلور یافت و اندیشه سیاسی او در قالب ضدیت با تجدد ازسویی و نقد اسلام سیاسی از سوی دیگر بازنمایی شده است.

## ۱. چیستی سنت و سنت‌گرایی

۱-۱. چیستی سنت: واژه سنت از واژه لاتینی traditio به معنای واگذاری گرفته شده است. در سنت مسیحی این اصطلاح برای نشان دادن مجموعه تعالیمی به کار رفته است که به واسطه کلیسا منتقل می‌شد. واژه سنت به لحاظ اصطلاحی به امر ایستا اطلاق می‌شد که در نتیجه ابداع و نوآوری‌های جدید، از گذشته بر جای مانده است (اصلان، ۱۳۸۵: ۹۸). درواقع وجه اساسی مفهوم سنت، گرایش به حفظ وضع موجود و مقاومت در برابر دگرگونی است (افشار کهن، ۱۳۸۳: ۱۱). به دلیل همین ثبات و دگرگونی‌ناپذیری است که سنت را امری با منشا الهی دانسته که سینه به سینه از نسلی به نسل دیگر منتقل شده است (خندق آبادی، ۱۳۸۰: ۱۹۵). البته واقعیت آن است که مفهوم سنت نیز مانند مفهوم دین نمی‌توان ذیل تعریف واحدی تصویر کرد. گویا سنت‌گرایان مورد نظر ما در این مقاله سنت را ذیل معنای اصطلاحی و رایج آن به‌سان امر مقدس و برگرفته از سرچشمه دین می‌دانند. در راستای این برداشت از سنت است که مارکو پولوس سنت را چیزی بیش از یک رسم و عادت و در معنائی متعالی به کار می‌برد. او سنت را امری ذاتی و فرافردی می‌داند که حداقل چهار خصلت دارد: وجود وحی الهی به عنوان منبع الهام، وجود جریانی از برکت و فیض الهی در آن، به لحاظ ماهیت روش بودن سنت برای تحقق، و تجسم آن در آراء، عقاید و ابعاد وجودی انسان (اعوانی، ۱۳۸۲: ۱۲-۱۳). در مجموع این برداشت، سنت را با ویژگی‌هایی چون گذشته‌گرایی، تاریختی، موروثیت، محافظه‌کاری، قدسیت، هویت‌مندی و ترویج بینش‌ها و نگرش‌های خاص برای فهم دنیا معرفی می‌کند.



انجمن مطالعات جهان اسلام  
Islamic World Studies Association  
مجموعه‌ای برای مطالعه و پژوهش در اسلام  
فصلنامه علمی - پژوهشی  
پژوهش‌های دینی جهان اسلام



انجمن مطالعات جهان اسلام  
Islamic World Studies Association

فصلنامه علمی - پژوهشی  
پژوهش‌های بانی جهان اسلام  
جمعه نوراست العالم الاسلامی

اما برای درک معنایی که رنه گنون از چهره‌های شاخص سنت‌گرایی از سنت داشت، لازم است که درنگی در معنای لغوی سنت (tradition) داشته باشیم. سنت در لغت به معنی "آنچه انتقال داده می‌شود" است (الیاده، مدخل سنت). در این معنا، سنت مجموعه حقایقی است که دارای منشأ الهی هستند و با واسطه وحی الهی در اسطوره‌ها، آیین‌های مذهبی، نمادها و آموزه‌ها و سایر ظهورات تمدن دینی و اولیه به تصویر در آمده است. در این معنا سنت، تغییرناپذیر و بدون صورت نیست، بلکه صورت‌مند است و با صورت نیز منتقل می‌شود و به دلیل داشتن صورت نمی‌تواند حقایق مطلق را جلوه گر کند بلکه حقایق جزئی و نسبی را منتقل می‌کند. زمانی که مغرب زمین هنوز گرفتار مشکلات پر تلاطم امروزی نشده بود و با اطمینان زیاد به آینده خویش، در حال از بین بردن بقایای سنن معنوی خود و سایر تمدن‌های جهان و نیز به فکر استیلای خود در جهان بود، شاهد جوانه زدن جریانی بودیم که اصل مبانی فکری تمدن غرب را هدف حمله‌های خود قرار داد. سنت‌گرایی، جریان روشنفکری دینی بود که در اوایل قرن بیستم ظهور کرد و با اندیشه نوظهور تجدد به مقابله برخاست و تجدد را با شدیدترین انتقادهای به چالش کشید. در این میان رنه گنون، در تقابل اندیشه مسلط غرب یا تجدد غربی، انسان، جامعه و جهان را بر اساس مبانی معرفتی خاصی تفسیر کرد که در آن نظام هستی، معرفت و نظام بشری مبتنی بر سلسله مراتب عمودی واقعیت است که در این زنجیره، مراتب پایین‌تر، هستی خویش را از مراتب بالاتر یافته‌اند و بدان متصل شده‌اند. با این نگاه، گنون کلیه آثار خویش را با رویکرد عرفانی خاص خود، تحت الشعاع قرار داده و در علم، عقل، فلسفه و حوزه‌های اجتماعی وارد شد. (رحیمی سجاسی و عطوفی، ۱۳۹۳). باری، سنت‌گرایی جزئی از جریان‌های روشنفکری دینی و مظهر تمام‌گرایش‌های آگاهانه است که از اوایل قرن بیستم، در برابر مدرنیته و در جهت برون‌رفت از بحران‌ها و آشوب‌های حاصل از آن، شکل گرفت. این جریان که تا به امروز، شاخه‌های متعددی داشته است، با رنه گنون بنیان‌گذاری شد به طوریکه او را پدر سنت‌گرایی می‌خوانند.

۱-۲. چپستی سنت‌گرایی: اما سنت‌گرایی، مجموعه‌ای حقایقی است که شمول تاریخی و جغرافیایی داشته و انسان‌ها در ادوار مختلف تاریخی و مناطق جغرافیایی به آن باور داشته‌اند. سنت‌گرایی را می‌توان در علوم و معارف اقوام ابتدایی نیز یافت و اشکال متکامل‌تر آن را در ادیان بزرگ جهانی ردیابی کرد. سنت‌گرایی، به عنوان گرایش آگاهانه با عقاید مغایر با عقاید انسان متجدد، با کمک رنه گنون، عالم، حکیم و عارف فرانسوی و آناندا کومرسوامی، هنرشناس و حکیم سیلانی، هویت و موجودیت مستقلی یافت و بعدها با کوشش‌های متفکرانی مانند فریتیوف شوان، تیتوس بورگهارت، هیوستون اسمیت، مارتین



لینگز، سید حسین نصر و مارکو پالیس، در ساحت‌های نظری و به‌ویژه هنر، پرورده شد و به جریانی تمام عیار تبدیل شد. سنت‌گرایی به معنای عام شامل هرگونه عکس‌العمل نسبت به پدیدارهای دنیای مدرن می‌شود. اما سنت‌گرایی به معنای خاص جنبشی فکری است متأثر از آرای رنه گنون، آناندا کومر سوامی، فریتیفو شوان و سید حسین نصر است. در این دیدگاه مراد از سنت حقایق یا اصولی است که از طریق شخصیت‌های معروف به رسولان، پیامبران یا دیگر عوامل انتقال، برای انسان و بخشی از کیهان آشکار شده و نقاب از چهره‌های آنها برگرفته شده است. کاربرد این حقایق و اصول در ساختارهای مختلف اجتماعی، حقوقی، هنری، علمی و نشانه‌شناسی موجب تحصیل معارف مربوطه برای انسان می‌شود (نصر، ۱۳۸۱: ۱۳۵).

۳-۱. تفاوت سنت و سنت‌گرایی: مصطفی ملکیان در خصوص این تفاوت توضیح می‌دهد که سنت چیزی است و سنت‌گرایی چیز دیگری. اگر ما به همان چشمی که به قرآن یا به اوپانیشادهای هندو نگاه کنیم، به یک فسیل یا به اشیایی که در یک موزه هست یا تکه‌سنگ نگاه کنید یا یک گیاه‌شناس به گیاه نگاه کند، در این صورت موضوع مورد مطالعه شما سنت است ولی این شخص ضرورتاً سنت‌گرا نیست. قبل از اختراع خط و وجود مکتوب کتاب مقدس، این سنت‌ها در قالب اسطوره‌هایی سینه به سینه نقل می‌شد و پدران و مادران آنها را به فرزندان خود انتقال می‌دادند. ولی امروزه انتقال شفاهی در متون مقدس ادیان و مذاهب کمتر شده و این دیدگاه موجب ظهور سنت‌گرایی شد (ملکیان، ۱۳۷۹: ۱۹). به‌زعم ملکیان فرق انسان سنتی با انسان سنت‌گرا در این است که اولی به علت بی‌خبری از شیوه‌های دیگر زندگی و دومی علی‌رغم با خبر بودن از آن شیوه‌ها به شیوه سنتی زندگی می‌کند. دومی شیوه زندگی سنتی را خودش آگاهانه برگزیده است، ولی اولی این شیوه را دریافت کرده است. اولی منفعل و ناآگاه است، و دومی فعال و آگاه. البته میزان آشنایی با شیوه‌های دیگر زندگی و میزان آزمودن آنها نیز در میان سنت‌گرایان یکسان نیست، ولی، به هر حال، آنچه سنتی را از سنت‌گرا جدا می‌کند همین آگاهی از دیگراندیشی‌هاست. انسان سنت‌گرا، انسانی است که می‌گوید وقتی جهان را می‌بینید که مطابق میل شما نیست، خودتان را عوض کنید و در طلب تغییر جهان نباشید. وقتی جان و جهان با هم نمی‌سازند، جان را باید دگرگون کرد نه جهان را (ملکیان، ۱۳۷۹: ۲۰).

## ۲. اندیشه سیاسی سنت‌گرایی

۲-۱. سنت‌گرایی رنه گنون: نو سنت‌گرایی خود را وامدار مکتب فکری سنت‌گرایی می‌داند. سنت‌گرایی



گونه‌ای از نگاه دینی در تاریخ ایران و اسلام است که عمده‌تاً در نقطه مقابل اندیشه‌های تجددگرایانه قرار دارد. به بیانی دیگر به‌زعم حسین نصر سنت‌گرایی متعارف بیشتر گونه‌ای از اسلام فقهاتی بود که متعاقب انقلاب اسلامی ایران در هیأتی سازمان یافته و با ابزار قدرت سیاسی پا به عرصه ظهور نهاد (نصر، ۱۳۸۵: ۴۳۵ - ۴۳۶). سنت‌گرایان نسبت به کلیت اندیشه غرب و هبوط معنوی آن منتقد بوده و غرب متجدد را انحرافی از فرهنگ اصیل انسانی دانسته است؛ هبوط از خردی جهانی و جاودانه که در سنت‌های مهم ماقبل مدرن از هندوئیسم، بودائیسم و تائوئیسم شرق گرفته تا ادیان پر رمز یونان باستان و دودمان‌های فکری در یهودیت، مسیحیت و اسلام قابل ردیابی است.

از دیدگاه نصر، رنه گنون از نخستین سنت‌گرایانی است که به تحلیل دنیای متجدد پرداخته است. وی در کتاب خویش محورهای اساسی سنت‌گرایی با قرائت گنون را مورد بحث قرار داده است و البته نیم‌نگاهی نیز به نقد آنها دارد. نخست، به نظر او سنت‌گرایی برداشتی کاملاً زمینی و عینی از ماهیت علم و معرفت ارائه می‌دهد که به‌زعم نصر این برداشت موجب شده تا چهره آسمانی و ملکوتی دانش از میان برود. دوم سنت‌گرایی برداشتی فردپرستانه با محور قرار دادن انسان یا اومانیزم را ارائه داده است که با رویکرد خدامحورانه مد نظر نصر فاصله دارد. سوم، سنت‌گرایی دیدگاه منسجمی نسبت به جامعه و جهان ارائه نمی‌دهد و از این زاویه شبیه هرج و مرج اجتماعی مکنون در اندیشه تجدد است. دنیای مدرن گرفتار این تناقض آشکار است که انسان‌های مدرن از سویی همواره دم از آزادی، مردم‌سالاری، و این‌گونه امور می‌زنند و می‌گویند: آینده را ما رقم می‌زنیم و از دیگر سو مدرنیست‌ها بر این نکته پای می‌فشارند که ما مجبوریم هر چیزی را بر اساس زمانه تغییر دهیم. آنها معتقدند چون ما در سده بیست و یکم و نه در سده سیزدهم به سر می‌بریم نمی‌توانیم اعتبار هیچ نهاد مقدس، دیدگاه یا چیزی را مسلم بگیریم (نصر، ۱۳۸۵: ۳۰۳).

۲-۲. سنت‌گرایی و ساخت سیاسی شاهنشاهی: نصر در تاریخ کمبریج به شرح ارتباط علما و سلاطین صفویه به عنوان یکی از وجوه اندیشه سنت‌گرایی پرداخته است و نسبت نهاد دین و نهاد سلطنت را نمایان ساخته است. به‌زعم او هر کسی که در مکتب تاریخ ایران شاگردی کرده باشد، می‌داند که از دوره صفویه تا سال ۱۹۷۹ میلادی پیوندهایی میان تشیع و سلطنت در ایران وجود داشته است و لذا صفویان، زندیان و قاجاریان همه بر همین پایه بوده‌اند. درواقع برای اولین بار صفویان بودند که در تاریخ اسلام، یک مملکت شیعه دوازده امامی را تأسیس کردند و سنت اسلامی را می‌توان از دوره آنها در تاریخ ایران ردیابی کرد (نصر، ۱۳۹۳: ۳۰۶).



نصر یکی از وجوه سنت‌گرایی را نزدیکی سنت سیاسی اسلام به سنت حکومت شاهنشاهی در تداوم سنت ایران باستان می‌داند. او در توضیح تمایل شخصی‌اش به نظام سلطنتی در قیاس با نظام جمهوریت می‌گوید: کلمه جمهوریت برگرفته از کتاب جمهور افلاطون است. جمهوریت افلاطونی در کاربرد اصلی و کلاسیک آن (Republic) به معنای قلمرو عمومی (جامعه و سیاست) است نه نوع خاصی از حکومت، چراکه حتی خود افلاطون در کتابش دموکراسی را بدترین نوع حکومت می‌داند و حکومت ملک- فیلسوف را بهترین نوع حکومت می‌داند. نصر معتقد است که توده مردم خیلی متوجه این نکته نیستند ولی افرادی مانند او که پیرو تفکر سنتی هستند، همواره مدافع نهادهای سنتی اعم از دینی و سیاسی در تمدن‌های سنتی بوده‌اند. در اروپا جمهوریت به معنای افلاطونی ظهور نکرد، بلکه به صورت یک نهضت افراطی ضد دینی همزمان با انقلاب فرانسه به ظهور رسید. طبعاً افرادی مانند نصر که طرفدار سنت و تفکر سنتی بوده‌اند، با این جریان‌ات به علت جنبه قوی ضد دینی آن، با این تعبیر از حکومت که با انقلاب فرانسه شروع شد، مخالفند. البته او باور دارد که این برداشت از جمهوریت را نباید به حکومت کنونی در ایران تسری داد. این حکومت اگر چه نام جمهوری را در خود دارد، تا حدی منطبق با معنی افلاطونی است، نه معنی سکولار آن که با انقلاب فرانسه رخ داد و تثبیت شد. این نکته مهمی است و ناقدان بدون توجه به آن مدام می‌گویند که نصر مخالف جمهوری است. او خود معتقد است که او مخالف جمهوری به معنای افلاطونی کلمه نیست، بلکه مخالف آن گونه از جمهوری است که با انقلاب فرانسه زاییده شد و به هر کجا که رفت دین و سنت را تضعیف کرد (نصر، ۱۳۹۳: ۳۰۶-۳۰۷).

### ۳. اندیشه سیاسی نو سنت گرایی

جریان نو سنت گرایی متعاقب پیروزی انقلاب اسلامی ایران شکل گرفت. سیدحسین نصر پیشگام این جریان فکری در بحبوحه پیروزی انقلاب اسلامی، برای افتتاح نمایشگاه هنر ایرانی در توکیو، به ژاپن سفر کرده بود و در زمان حضور او در خارج از کشور، انقلاب اسلامی به پیروزی رسید و پس از آن، وی به ایران بازنگشت. نصر از امام خمینی به نیکی یاد کرده و بر آن بود که شهرت و نفوذ سیاسی آیت‌الله خمینی مانع از آن شد تا بسیاری از مردم در جهان غرب و حتی در خود جهان اسلام خارج از ایران، آثار عرفانی و جایگاه رفیع او در تاریخ عرفان نظری را درک کنند. او البته بر آن است که برای بسیاری جالب و شگفت آور است که آیت‌الله خمینی در اوایل عمر به عرفان نظری و عملی یعنی ریاضت و عزلت و ترک دنیا تأکید می‌کرد، در حالی که در سال‌های پایانی عمر به طور جدی وارد سیاست و ریاست حکومت شد (یوسفی،

۱۳۸۵: ۱۹۱). نصر در ادامه، تحلیلی از سلوک معنوی آیت‌الله خمینی و سفرهای چهارگانه عرفانی او ارائه می‌کند و ایشان را متأثر از فضای عرفانی می‌داند. به‌رغم این نگاه، نصر نظام فقهاتی امام خمینی را مورد نقد قرار داده و عمدتاً نه اصل اسلام سیاسی بلکه شکل حکومت را مورد نقد قرار می‌دهد. نوسنت‌گرایان نمی‌پذیرند که همه قدرت از خداوند گرفته شده و به مخلوق او داده شود چراکه چنین جامعه‌ای را دیگر جامعه اسلامی نمی‌دانند (نصر، ۱۳۹۳: ۳۰۹). درست است که مردم حق دارند و خداوند به آنان آزادی و اراده عطا فرموده، اما آنها نمی‌توانند به حقوق الله تعدی کنند. نصر که به حاکمیت اسلام فقهاتی بر جامعه اسلامی انتقاد دارد، رویکرد جدیدی را معرفی می‌کند که اندیشه سیاسی نوسنت‌گرایی بر پایه آن قرار دارد و آن سلطنت اسلامی است.

### ۳-۱. مؤلفه‌های نوسنت‌گرایی

پایه و اساس اندیشه نوسنت‌گرایی بر دو اصل مخالفت با مدرنیته و سلطنت اسلامی استوار است. این مکتب پدیده جدید اسلام فقهاتی که در رأس جامعه قرار گرفته را مورد نقد قرار می‌دهد چرا که معتقد است اسلام فقهاتی به دلیل عدم تخصص در زمینه سیاست و حکومت، به مشکلات جدی برخورد می‌کند و خود، جامعه و اسلام را دچار مشکل می‌کند. برخی از مهمترین مؤلفه‌های نوسنت‌گرایی از این قرارند:

تکیه بر حکمت خالده: حکمت خالده یا جاویدان خرد، همان حکمت ماندگار، ازلی و ابدی است که در قلب همه سنت‌ها، از ودانتا و بودیسم گرفته تا کابالا و مابعدالطبیعه سنتی مسیحی یا اسلامی، جای دارد و عالی‌ترین یافته حیات آدمی است. این دیدگاه بر آن است که نوعی امر ثابت وجود دارد که گوهر همه ادیان و سنت‌هاست و با تغییرات زمانی و مکانی تغییر نمی‌کند. آنچه که تغییر می‌کند، صورت یا بیان الهیاتی آن است. بنابراین، اصحاب حکمت خالده معتقدند که این حکمت باید خود را با زبان متجددانه از نو تنسیق کند تا بتواند بیانگر حقیقت مطلق باشد.

نقد تجدد غربی: برداشت سنت‌گرایان از مدرنیته اغلب متناقض است؛ گاهی با دستاوردهای مدرنیته و علم مدرن مخالفتی ندارند و گاهی کل مدرنیته و اصول آن را کاذب تلقی می‌کنند. سیدحسین نصر اما، نقد تمدن مدرن را اساس تفکر سنتی دانسته و وظیفه نخست اهالی سنت‌های معنوی و دینی را نقد مدرنیسم معرفی می‌کند (نصر، ۱۳۸۵: ۳۰۰). نوسنت‌گرایی بر آن است که عقل تنها از بخش کوچکی از جهان هستی خبر می‌گیرد و بخش بزرگ‌تر و مهم‌تر جهان هستی را نمی‌توان با اتکای به عقل شناخت.



فصلنامه علمی - پژوهشی  
جمعۀ نورسنت‌العلم الاسلامی  
پژوهش‌های پایه‌ای جهان اسلام

۶۲

سال سیزدهم، شماره چهارم، زمستان ۱۴۰۲



لذا در نظر نو سنت گرایان تنها اندکی از جهان هستی با نیروی عقل قابل شناسایی است، اما بخش اعظم این جهان را باید از طریق رجوع به سنت شناخت. لذا خودبسنندگی عقل امری ناموجه بوده و عقل در کنار سنت مکی تواند کارآمد باشد. آن هم نه کنار هم بودن دو موجود هم تراز، هم عدل و هم سنگ، بلکه دو موجودی که یکی تفوق فاحش بر دیگری دارد.

گرایش به عرفان نظری: نو سنت گرایی عنایت ویژه‌ای به عرفان نظری داشته ولی عرفان عملی را درگیر دو آفت می‌داند: اول، اینکه در این عرفان معرفت از منزلت شایسته‌ای برخوردار نیست و به جای آن بیشتر بر عواطف و احساسات تکیه می‌شود. دوم، عرفان عملی با فضل فروشی اخلاقی توأم است. در اندیشه عرفانی هدف نهایی، آراستگی به فضایل اخلاقی است، در حالی که اعمال مقدمه اخلاق است، و اخلاق مقدمه‌ای است برای معرفت و باز شدن چشم دل آدمی و سیر در عالم ملکوت و رسیدن به مرحله کشف و شهود. چه آن کسی که در این جهان چشم دلش کور باشد، در سرای باقی کورتر و گمراه تر خواهد شد. پذیرش وحدت متعالی ادیان: وحدت متعالی ادیان نام اولین اثر شوان هست که در آثار نویسندگان نو سنت گرا به همراه عناوین دیگری همچون وحدت درون و کثرت برون، کثرت گرایی باطنی ادیان و ... حاکی از پلورالیسم خاص این دیدگاه است. ادعای اصلی نظریه وحدت متعالیه ادیان این است که: اولاً، همه ادیان بزرگ و ماندگار در جهان سرچشمه الهی دارند. ثانیاً، با وجود اختلافات ظاهری از وحدت باطنی برخوردارند. ثالثاً، حکمت جاویدان در همه آنها محقق است (نصر، ۱۳۹۳: ۷۳).

### ۲-۳. نو سنت گرایی و مدرنیته

مدرنیته به عنوان جریان حاکم بر غرب جدید در زمینه‌های فکری، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و... که با اصالت دادن به عقل بشری و آزادی‌های او همه امور طبیعی، ماوراء طبیعی، ارزش‌ها و... را با منطق انسان‌مدارانه تحلیل کرده و همه پدیده‌های مغایر با خود شامل دین، آداب و رسوم، و سایر سنتها را نفی می‌کند (مشکی، ۱۳۸۵: ۱۸۵)، در صف نخست انتقادات نو سنت گرایان و به ویژه نصر قرار دارد. به زعم نصر، دوران کنونی دوران جاهلیت نوین است که بت‌های مکاتب باطل آن باید از بین بروند. انگیزه اصلی مخالفت سنت‌گرایان با تجدد، احساس تعهد به حقیقت سنتی و خیرخواهی برای انسان بوده و نقد مدرنیته بر اساس اصول مابعدالطبیعی و دینی عملی متناسب با فضایل اسلامی است. به همین دلیل است که او کارویژه نخست اصحاب سنتهای معنوی و دینی مانند اسلام را نقد مدرنیسم می‌داند (نصر، ۱۳۸۵: ۳۰۰؛ نصر، ۱۳۸۳: ۲۸۴ و ۲۸۵؛ نصر، ۱۳۸۱: ۱۸۱). اینکه بسیاری از کشورهای شرقی و اسلامی از



سرنوشت غرب عبرت نگرفته و اشتباه آن را تکرار میکنند، نصر را نگران کرده و می‌گوید "فاجعه عالم شرق به‌ویژه اسلام این است که همان خطاهای دنیای غرب را تکرار میکند" (نصر، ۱۳۸۳: ۴۳).

از اینرو، او از تلاش روشنفکران مسلمان برای سازگار نشان دادن اسلام و غرب سخت دلگیر است، به همین خاطر او روشن فکران نیمه متجدد مسلمان را فاقد اصالت فکر و تسلیم در برابر تفکر ضددینی غرب میدانند. هرچند نصر مخالفتی با تحول و دگرگونی در سبک زندگی فردی و اجتماعی ندارد، اما بر آن است که این تغییرات باید بر اساس اصول سنتی انجام شود (نصر، ۱۳۸۳: ۲۸۶). نصر می‌پرسد اگر قرار است ما با زمانه عوض شویم زمانه باید با چه چیزی عوض شود؟ در پاسخ می‌گوید درست است که تغییرات اجتماعی مستقل از ما نیست که ما بخواهیم با آن عوض شویم، ولی انسان آزاد است و می‌تواند سرنوشت خود را عوض کند. لذا باید زمانه را با سنت‌های خود سازگار کنیم، نه برعکس. تغییرات اجتماعی امری طبیعی است، ولی نباید مانند اسبی بی اراده دنبال این تغییرات و بر محور آن دوید (نصر، ۱۳۸۵: ۳۰۲-۳۰۱).

باری، نصر رویکرد صرفاً انسان‌مدارانه و بریده از مناسبات ماوراءالطبیعی و الهیاتی غرب را در قالب مفهوم جاهلیت مدرن مورد نقد قرار داده است. علاوه بر این او روشنفکران کشورهای شرقی و اسلامی را به دلیل متابعت از سبک زندگی غربی و کوشش برای سازگار نشان دادن اسلام با غرب مورد سرزنش جدی قرار می‌دهد. او البته از سونی بیش از چهل سال از زندگی خود را در کانون اندیشه غربی گذرانده و از سوی دیگر زندگی در فرهنگ غربی و مبتنی بر آن سبک زندگی را مورد نقد قرار داده و بر سبک زندگی شرقی و اسلامی تأکید دارد. بعضی از منتقدان نصر این را مهمترین نقد بر او می‌دانند که او درست در جایی به نقد غرب می‌پردازد که حیات فکری و اجتماعی خود را از آنجا گرفته و بر سبکی از زندگی تأکید می‌کند که سال‌هاست از آن فاصله گرفته است.

### ۳-۳. نوسنت‌گرایی و اسلام فقهاتی

سنت‌گرایی فقهاتی با پشتوانه‌ی امام خمینی و روحانیت به عنوان قدرتمندترین گفتمان در دوره جمهوری اسلامی مطرح شد. این دیدگاه به تدریج نشانه‌ها و مفاهیم خود را در یک مناظره سخت و در رویارویی با گفتمان‌های دیگر تثبیت کرد. مفهوم‌هایی چون جمهوری اسلامی، حاکمیت فقه و ولایت فقیه، اجتهاد و تقلید، حجاب بانوان، تعهد، اسلامی‌کردن جامعه، دانش و دانشگاه، آزادی محدود به شریعت، اجرای حدود و مجازات‌های اسلامی، امت‌گرایی در برابر ملی‌گرایی، حمایت از جنبش‌های آزادی‌بخش، صدور

انقلاب و دشمنی با آمریکا و اسرائیل به عنوان نماد کفر، به تدریج برجسته شدند و نمودهای گفتمانی آن را شکل دادند (حسینی زاده، ۱۳۸۶: ۲۲۵).

در برابر این رویکرد مسلط و در جهت نقد محورهای اساسی سنت گرایی فقهی، جریان نوسنت گرایی ظهور کرد. به نظر نصر حکومت کنونی ایران تنها حکومتی است که در طول تاریخ اسلام، در آن حکومت دینی با حکومت طبقه روحانی همراه بوده است، هرچند این نخستین بار نیست که در ایران دین و سیاست با هم در می آمیزند، بلکه پادشاهان ایران نیز افرادی بی دین نبوده و حتی خود را حافظ و نگهبان دانسته اند. در قانون اساسی سال ۱۹۰۶ دوره انقلاب مشروطه نیز سلطنت را موهبتی خدادادی دانسته است (نصر، ۱۳۸۵: ۴۳۵ - ۴۳۶). با این اوصاف نصر موافق دخالت علما در سیاست نیست. او علمای صوفیه را به عنوان نمونه ای از اصحاب شریعت یاد می کند که به رغم آگاهی از شریعت، هرگز در جامعه اسلامی طبقه ممتازی را تشکیل ندادند و مانند بقیه مردم عضوی از جامعه ای بودند که مردان و زنان از همه اقشار در آن زیست می کنند (نصر، ۱۳۸۵: ۲۱۹).

او برای تقویت استدلالش به سبک زندگی بنیانگذاران دین اشاره کرده و آنها را به دو گروه تقسیم می کند. گروهی مانند مسیح و بودا که به بریدن از دنیا و پیشی گرفتن زندگی معنوی توصیه می کنند. هر دوی آنها جوامعی معنوی ایجاد کردند که از شرایط سیاسی و اجتماعی برکنار بود. اما گروه دیگر، مانند حضرت موسی، داوود، سلیمان و حضرت محمد(ص) از ادیان ابراهیمی و راما و کریشنا از آیین هندو، وارد پیچ و خم زندگی معمولی انسان می شوند تا آن را تغییر یا تقدیس کنند. نصر با تمرکز بر سلوک عملی پیامبر اسلام، ایجاد تعادل در زندگی پیامبر را مقدمه ای برای تسلیم در برابر حق دانسته و می نویسد: او به لحاظ درونی اهل مراقبه بود، اما به لحاظ بیرونی، ناگزیر از رویارویی با هر وضعیتی بود که ممکن است برای هر انسانی پیش آید... او که تنهایی و مراقبه را دوست می داشت، اصلاً از رسیدگی به کارهای مردم، با همه لغزش ها و کاستی هایشان، شانه خالی نمی کرد. او باید بر کل جامعه نظارت می کرد و هرگاه میان دو طرف شکایتی رخ می داد، به موضع قضا می نشست. می توان رسالت او را همانا قداست بخشی به همه زندگی و برقراری تعادل در زندگی بشری دانست که زمینه ساز تسلیم و فانی شدن در پیشگاه حق متعال است" (نصر، ۱۳۸۵: ۴۹).

او دو قطب اصلی مورد انتقاد خود یعنی تجدد و اسلام سیاسی را همزمان مورد انتقاد قرار داده و بر آن است که نباید دچار این اشتباه شد که اسلام فقهاتی با از بین بردن نهاد سلطنت، تجددگرایی را در ایران از بین برد بلکه جریان در مجرای دیگر تداوم پیدا کرد... بنابراین، با تغییر ظاهر نهادهای سیاسی نمی شود



این تحول را ایجاد کرد. نصر در همین ارتباط ابراز می نماید: "من انتظار داشتم بعد از انقلاب اسلامی ما برگردیم به لباس سنتی خودمان، این کار را نکردیم، برگردیم به شهرسازی و معماری سنتی خودمان که فضای هر روزه حیات انسان‌ها را تعیین می‌کند، نکردیم. برعکس هر چه باغ بود در تهران خراب کردیم، ساختمان‌های سی طبقه ساختم و خیلی چیزهای اساسی که اصولاً نحوه زندگی افراد را در بر می‌گیرد. حالا مسئله ماشین و ترافیک و دود و آلودگی هوا و تمام برکات فناوری جدید را می‌گذاریم کنار، ولی نظر من این بود. به همین جهت من تمام نیرویم را متمرکز کردم روی مسائل معنوی و فلسفی و عرفانی و پاسخگویی به این نوع اندیشه از غرب آمده" (نصر، ۱۳۸۵: ۴۹). این گفته‌های نصر تأثیر جدی بر نوع نگاه او به جامعه سیاسی و حکومت مطلوب او دارد. جامعه سیاسی مطلوب او جامعه‌ای است که در آن سنت‌ها با تمام معنا حاکمیت داشته باشند و در تك تك ابعاد جامعه نهادهای سنتی و سنت مستقر باشد و مادی‌گرایی کنار گذاشته شود.

#### ۴-۳. نوسنت‌گرایی و حکومت دینی

به‌زعم نصر از آنجا که پیوند دین و سیاست در ایران و جهان امر بدیعی نیست و لذا سخن از جدایی امر معنوی از اقتدار دنیوی یا دین و دولت نیست، بلکه مسئله این است که چه کسی باید قدرت سیاسی را به دست بگیرد؟ به نظر او حکومت روحانیون در ایران پدیده تازه و بی‌سابقه‌ای است. درگذشته، نهایت حکومت دینی، حکومت طوایف متصوفه‌ای مانند صفویه در ایران و سنوسیه در لیبی بوده است. اما در عالم تسنن و تشیع روحانیون هرگز در مقام یک طبقه مستقل حکومت را در دست نداشته‌اند (نصر، ۱۳۸۵: ۴۳۷). به‌زعم نصر حکومت اسلامی ضرورتاً به معنی حکومت روحانی نیست مانند پاکستان که جمهوری اسلامی است ولی حکومت در دست نظامیان است. در ترکیه نیز که حکومت در دست سکولارهاست، اغلب مردم دیندارند و در زندگی خصوصی و عمومی خود با دین سروکار دارند. از این رو جامعه هنوز سکولاریسم تحمیلی از سوی دولت را نپذیرفته است (نصر، ۱۳۸۵: ۴۳۹). نصر در دفاع از شیوه حکومت سلطنتی و تعریض به حکومت در ایران پس از انقلاب می‌نویسد: "مهم‌ترین نکته در اینجا همین است که تعالیم سنتی اسلام را در باب سلطه سیاسی بشناسیم و باز هم آنچنان زیاده‌آرمان‌گرا و غیر واقع‌بین نباشیم که همچون اغلب موارد، آنچه را که نیمه خوب است، به امید دستیابی به یک بدیل کامل ویران کنیم، ولی دست آخر چیزی را به جای آن بنشانیم که خیلی کمتر از مورد نیمه خوب سابق، کامل است و بسیار کمتر از آن با ارزش‌های سنتی اسلامی سازگاری دارد." (نصر، ۱۳۸۴: ۳۵۲-۳۵۴).



فصلنامه علمی - پژوهشی  
پژوهش‌های بانی جهان اسلام  
جمعه نرسانف العلم الاسلامی

۶۶

سال سیزدهم، شماره چهارم، زمستان ۱۴۰۲



با این حال، نصر در مقاله "عرفان نظری و تصوف علمی و اهمیت آنها در دوران کنونی" (۱۳۵۸) کوشید انقلاب آیت الله خمینی را در چارچوب عرفان اسلامی توضیح دهد. او ضمن اشاره به تاریخچه سنت عرفان نظری، توجهات را معطوف به جمعی می‌کند که او بین عرفان شیعی و عرفان ابن عربی قائل است و کلید معمای ورود یک انسان اهل عرفان را به عرصه سیاست، بیش از هر چیز در مراحل سلوک معنوی و سفر آدمی از خلق به سوی حق و رجعت وی از حق به سوی خلق جستجو می‌کند که ملاصدرا در آغاز اسفار اربعه به آن پرداخته است. در ادامه، این برداشت را در فعالیت‌های حسن البنا، بنیان‌گذار جنبش اخوان المسلمین مصر، و ابوالعلا مودودی، بنیان‌گذار جماعت اسلامی پاکستان، نیز قابل ردیابی می‌داند. بدین‌سان وی اهمیت سنت عرفانی را در شناخت تحولات گوناگون جوامع اسلامی به‌ویژه ایران برجسته می‌کند.

باری حسین نصر سلطنت را کم‌نقص‌ترین شکل حکومت در دوران غیبت امام زمان (عج) می‌داند و مایل است این امر را به مثابه باور تشیع بشناساند. درحالی‌که این باور ارتباطی با شیعه ندارد. حتی به نظر می‌رسد که مخالف او با حاکمیت اسلام فقاهتی برخلاف انتظار مخالفی علمی و مبتنی بر استدلال‌های متقن نیست بلکه بیشتر ماهیت سیاسی دارد. در مجموع نظریه سیاسی نصر را می‌توان به دو بخش تقسیم کرد. نخست، نگاه نو سنت‌گرایان به سیاست مبتنی بر واقع‌گرایی که در عالم تسنن، در نظریه خلافت و پس از آن، سلطنت را به رسمیت می‌شناسد. این برداشت معتقد است که در زمان حاضر با وجود یکی از دو نهاد سلطنت و خلافت، نباید سراغ شکل جدیدی از حکومت رفت، حتی اگر آن حکومت توسط پیشوایان اصلی اهل سنت رهبری شود. دوم، نو سنت‌گرایان از سوئی نسبت به تنزل جامعه و تخریب نهادهای سنتی و جایگزین کردن آن با نهادهایی با منشأ غربی هشدار می‌دهند و از سوی دیگر، معتقدند برای اسلامی کردن و احیای جامعه صدر اسلام به‌جای تکیه بر ظواهر و ساختارها باید به تقویت ایمان قلبی و شخصی‌آحاد جامعه، همت گماشت.

## نتیجه گیری

این مقاله برای ارائه پاسخ معتبر به این پرسش طراحی شد که "خاستگاه جریان فکری نوسنت گرایی و اندیشه سیاسی برجسته ترین متفکر آن، سید حسین نصر، را با توجه به منطق فلسفی او چگونه می توان بازنمایی کرد؟" با علم به وجود عناصر مختلف در اندیشه نوسنت گرایی، ما پاسخ خود را بر این فرضیه استوار کردیم که "خاستگاه نوسنت گرایی نصر در نظریه حکمت خالده تبلور یافت و اندیشه سیاسی او در قالب ضدیت با تجدد ازسویی و نقد اسلام سیاسی از سوی دیگر بازنمایی شده است." برای آزمون فرضیه، ما ساختار مقاله را به سه قسمت تقسیم کردیم. در قسمت نخست به تعریف سنت و سنت گرایی بر اساس متون متقن پرداختیم. در قسمت دوم سعی کردیم خاستگاه و مختصات عمومی و نوع نگاه جریان فکری سنت گرایی به اندیشه سیاسی را بحث کنیم. در قسمت سوم مختصات عمومی، خاستگاه و اندیشه سیاسی مکتب نوسنت گرایی را به تفصیل مورد بحث و بررسی قرار دادیم. اینک در مقام نتیجه گیری به نکات زیر اشاره می کنیم.

۱. سید حسین نصر پس از انقلاب اسلامی در ایران و حکمرانی علما و روحانیون بر مردم، این نکته را گوشزد می کند که اگر فقه های دین نتوانند آنچنان حکومت کنند که سعادت آنها را به ارمغان آورد، مردمی که در دین داری و پایبندی به سنت، سابقه هزار ساله داشته اند ناگهان دین گریز خواهند شد، زیرا توقعی که مردم از حکمرانی مذهب بر جامعه دارند متفاوت از حاکمیت دیگر حکومت ها است. در اینجا هر خطایی که از سوی رهبران جامعه رخ دهد، به پای دین گذاشته می شود و هر چه این حکومت ضعیف تر باشد، دین به انزوا کشیده می شود و حتی ممکن است برخی سنت های ریشه دارد کم رنگ شوند.

۲. نصر بازگشت به نوعی از سنت گرایی را در نظر دارد که با بسیاری از تحولات دنیای مدرن در تعارض است چنانچه او بر آن است که من انتظار داشتم بعد از انقلاب اسلامی ما برگردیم به لباس سنتی خودمان، این کار را نکردیم. برگردیم به شهرسازی و معماری سنتی خودمان که فضای هر روزه حیات انسان ها را تعیین می کند، نکردیم. بر عکس هر چه باغ بود هم بود در تهران خراب کردیم، ساختمان های سی طبقه ساختم و خیلی چیزهای اساسی که اصولا نحوه زندگی افراد را در بر می گیرد. حالا مسئله ماشین و ترافیک و دود و آلودگی هوا و تمام برکات فناوری جدید را می گذاریم کنار، ولی نظر من این بود. به همین جهت من تمام نیرویم را متمرکز کردم روی مسائل معنوی و فلسفی و عرفانی و پاسخشگویی به این نوع اندیشه از غرب آمده است. چنین نگاهی به جامعه مدرن قدری عجیب به نظر می رسد. این ساخت معماری و شهر سازی متأثر از رشد جامعه و گسترش شهرنشینی در همه دنیا اجتناب ناپذیر بوده است.



انجمن مطالعات جهان اسلام  
Islamic World Studies Association  
جمعية دراسات العالم الاسلامی

فصلنامه علمی - پژوهشی  
پژوهش های بانی جهان اسلام



به طوری که ساخت معماری و شهرسازی ممالک توسعه یافته به همین صورت است. چگونه می‌توان در دنیای امروز زیست در حالی که سبک ساخت و ساز و معماری با توجه به گسترش جمعیت از سوئی و کمبود زمین از سوی دیگر به همان سبک و سیاق سنتی باشد.

۳. نو سنت گرایی نگاهش به دولت نیز کاملاً برگرفته از همان الگوی قدیمی و سنتی است. این مکتب ساخت دولت را عمدتاً در قالب همان الگوی سلطنت و نهایتاً سلطنت اسلامی مطرح می‌کند. به زعم نصر حکومت سلطنتی به معنای حکومت دیکتاتوری، استبدادی و خفقانی که در ذهن مردم وجود دارد، نیست بلکه نوعی حکومت مردم سالاری است که در رأس حکومت شخصی قرار دارد که نماینده دین نیست بلکه نماینده تمام اقشار جامعه، ولی حافظ و پاسدار دین است. در کنار این سلطان علمایی هستند که به مشاوره در زمینه مذهب می‌پردازند و به صورت غیر مستقیم در جامعه ایفای نقش می‌کنند. بدین ترتیب او با نقد نظام سیاسی مدرن، دفاع از سنت‌ها و دفاع از معرفت یا علم قدسی "حکومت سلطنت دینی" را به عنوان بهترین نوع حکومت مطرح می‌کند که نه تنها حافظ دین و شریعت، بلکه پاسدار سنت‌های است که فراموش شده و یا در حال از میان رفتن است. با توجه به نماتی که در بند بالا اشاره شد، تحولات دنیای مدرن نه تنها در عرصه‌های مختلف جمعیتی، شهر سازی و... موجب تحول شده است بلکه در مورد ساخت قدرت نیز تحول ایجاد کرده است. طبعاً ساخت قدرت نیز نمی‌تواند همچنان پادشاهی باقی بماند بلکه حضور توده‌های مردم تحول ساختار سیاسی به ساختارهای جمهوری را اجتناب ناپذیر کرده است.

۴. در ادامه این ساخت قدرت مد نظر او، او جایگاه متفاوتی برای علما، روحانیون و حافظان دین قائل است. از نظر او آنان در موقعیتی قرار می‌گیرند که سلطان را در امور حاکمیتی هدایت و مشاوره می‌دهند، لذا هرگاه حاکم و جامعه در مسیر به انزوا کشاندن دین، سنت و فرهنگ جامعه حرکت کنند، علما و فقها با رهنمودهای خود جامعه را از آن مسیر انحرافی خارج می‌کنند و به صراط مستقیمی که خداوند مد نظر دارد باز می‌گردانند. از آنجا که سیاست پدیده‌ای است که انسان را به فساد می‌کشاند، اگر فردی غیر از فقیه در رأس حکومت باشد و به فساد کشیده شود، مردم این انحراف حاکم را پای هوای نفس فرد می‌گذرانند و روحانیت می‌تواند آن فرد را کنار گذاشته و فردی دیگر را به عنوان سلطان معرفی کند. اما اگر عالمی که پاسدار دین و شریعت است، در رأس حکومت قرار بگیرد و قدرت، حاکم را به فساد بکشاند، مردم جامعه این فساد را علاوه بر فرد، به دین، آیین و شریعت نسبت می‌دهند و از آن روی می‌گردانند و از آنجا که نصر معتقد است دین امری قدسی و فرستاده خداوند توسط پیامبران است، باید رابیان دین و علمای آن از این

گونه فساد به دور باشند تا وجه جاودانی و آسمانی دین مخدوش نشود. بنابراین نصر از نوعی نظام سیاسی سکولار و غیردینی حمایت می‌کند که عالمان روحانی نقش انذار و هشدار دهنده را بازی می‌کنند تا سلطان غیردینی اما حافظ دین راه فساد را در پیش نگیرد. اگر این حاکم در مسیر انحراف قرار گرفت، ابعاد و مختصات انحراف او را برای مردم بازگو کرده تا مردم به سوی تغییر حاکم حرکت کنند.



فصلنامه علمی - پژوهشی  
پژوهش‌های پایه‌ای جهان اسلام

## منابع

### فارسی

- اصلان، عدنان (۱۳۸۵)، پلورنالیسم دینی، ترجمه انشا... رحمتی، تهران، نقش جهان.
- اعوانی، غلامرضا (۱۳۸۲)، در معنای سنت، مجموعه مقالات همایش نقد تجدد از دیدگاه سنت گرایان معاصر، دانشگاه تهران و موسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی تهران.
- افشارکهن، جواد (۱۳۸۳)، بازخوانی جامعه شناسی سنت گرایی و تجدد طلبی در ایران بین دو انقلاب، تهران، آوای نور.
- حائری یزدی، مهدی (۱۳۷۳)، حکمت و حکومت، لندن، انتشارات شادی.
- حسینی زاده، سید محمد علی (۱۳۷۹)، علما و مشروعیت دولت صفوی، تهران، انتشارات انجمن معارف اسلامی.
- خندق آبادی، حسین (۱۳۸۰)، نگاهی به زندگی آثار سنت گرایان، حکمت جاویدان، تهران، موسسه توسعه دانش و پژوهش ایران.
- دین پرست، منوچهر (۱۳۸۳)، سید حسین نصر دلباخته معنویت، تهران، انتشارات کویر.
- رحیمی سجاسی، داوود و عطوفی، طاهره، "بررسی نظریه سنت رنه گنون؛ سنت به مثابه دال محوری"، فصلنامه اسلام و مطالعات اجتماعی، سال دوم، پانیز ۱۳۹۳، شماره ۲ (پیاپی ۶)، صص ۱۲۰-۱۴۱.
- شایگان، داریوش (۱۳۸۶)، سنت به وقت مدرن، نشریه شهروند امروز.
- شوان، فریتیف (۱۳۸۳)، اسلام و حکمت خالده، ترجمه فروزان راسخی، تهران، هرمس.
- عنایت، حمید (۱۳۶۲)، اندیشه سیاسی اسلام معاصر، ترجمه بهاء الدین خرمشاهی، تهران، خوارزمی.
- فیرحی، داوود (۱۳۷۸)، قدرت، دانش و مشروعیت در اسلام. تهران: نی.
- کدیور، محسن (۱۳۸۷)، نظریه های دولت در فقه شیعه، تهران، انتشارات نی.
- لگنهاوزن، محمد، چرا سنت گرا نیستم، ترجمه منصور نصیری، کتاب خرد جاویدان، انتشارات دانشگاه تهران، تابستان ۱۳۸۲.
- مجلسی، محمد باقر (۱۳۷۰)، رساله آداب سلوک با رعیت، در بیست رساله فارسی؛ تصحیح: سید مهدی رجایی؛ قم، کتابخانه آیت الله مرعشی.
- محمدی، عبدالله (۱۳۹۱)، نصر، سنت، تجدد بررسی زندگی و افکار سید حسین نصر، تهران، کانون اندیشه جوان.
- مشکی، مهدی (۱۳۸۵)، دین در نگاهی نوین، قم، موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
- ملکیان، مصطفی (۱۳۷۹)، درسگفتارهای سنت گرایی تجددگرایی پسا تجددگرایی، تهران، نقد و نظر.
- موسوی خلخالی، سید محمد مهدی (۱۳۸۰)، حاکمیت در اسلام با ولایت فقیه، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
- مهدوی، منصور (۱۳۹۲)، دولتمرد چهارم: زیست نامه و اندیشه سیاسی سید حسین نصر، قم، اشراق حکمت.
- نصر، سید حسین (۱۳۸۱)، معرفت و معنویت، ترجمه انشا... رحمتی، تهران، سهروردی.
- نصر، سید حسین (۱۳۸۳)، قلب اسلام، ترجمه مصطفی شهر آئینی، بازنگری شهرام پازوکی، تهران، حقیقت.
- نصر، سید حسین (۱۳۸۳)، اسلام و تنگنا های انسان متجدد، ترجمه انشا... رحمتی، تهران، سهروردی.
- نصر، سید حسین (۱۳۸۴)، جوان مسلمان و دنیای متجدد، ترجمه مرتضی اسعدي، تهران: طرح نو.



فصلنامه علمی-پژوهشی  
پژوهشهای بنیادی جهان اسلام

نصر، سید حسین (۱۳۸۵)، در جستجوی امر قدسی، گفت وگویی رامین جهانبگلو با سید حسین نصر، ترجمه مصطفی شهرآیینی، نشر نی، تهران.

نصر، سید حسین (۱۳۹۲)، آرمان ها و واقعیت های اسلام، ترجمه انشا... رحمتی، تهران: سوفیا.

-نصر، سید حسین (۱۳۹۳)، دین و نظام طبیعت، ترجمه انشا... رحمتی، تهران، نی.

یوسفی، حامد (۱۳۸۵)، تحلیل سید حسین نصر از حرکت امام خمینی، روزنامه اطلاعات، ضمیمه حکمت و معرفت، مندرج در: آئینه اندیشه، شماره ۶.

## انگلیسی

Lacan, J. (1987), The seminar. Book 1. Freud's Papers on Technique, 1953-4, Miller, J. A. (ed), trans. With notes J. Forrester, Cambridge University Press.

Nasr, Seyyed Hosein (1980), 'In Quest of Eternal Sophia', in *Philosopher Critiques D'eus Memes- Philosophische Selbstbetrachtungen*, ed, Ander Mercier and suilar Maja, Vol.

Nasr, Seyyed Hossein (1988), *Knowledge and the Sacred*, Lahore, Suhail Academey.

Schuon frithjof (1955), *Transfiguration of Man*, Bloomington, World Wisdom Books, inc.

Schuon frithjof (1984), *Light on the Ancient Worlds*, L.Northbourne (iran), World Wisdom Books.



انجمن مطالعات جهان اسلام  
Islamic World Wisdom Association  
جمعية دراسات العالم الاسلامي  
فصلنامه علمی - پژوهشی  
پژوهشهای بانی جهان اسلام

۷۲

سال سیزدهم، شماره چهارم، زمستان ۱۴۰۲

به این مقاله این گونه ارجاع دهید:  
DOI: ۱۰.۲۱۸۵۹/priw-۱۳۰۴۰۳

منصف، حسین؛ احمدوند، شجاع (۱۴۰۲)، «درآمدی بر اندیشه سیاسی نوسنت گرایی: قرائتی از سید حسین نصر» فصلنامه پژوهشهای سیاسی جهان اسلام، س ۱۳، ش ۴، زمستان ۱۴۰۲، صص ۷۲-۵۳.